

# محمد اعظمی : با تحرکات اخیر اپوزیسیون چه باید کرد؟

محمد اعظمی

این مطلب حدود ده روز پیش نوشته شده است. هدف از تدوین آن پاسخ کتبی به دعوتی بود، که برای شرکت در سمینار بنیاد اولاف پالمه از من شده بود. یکی از دوستان دعوت شده به من اطلاع داد که بنیاد اولاف پالمه تقاضا کرده است خبر این نشست علنی نشود. من به رغم اینکه به او پاسخ دادم که تقاضای آن ها غیر اصولی است، اما انتشار آن را به تقاضای آن دوست به تاخیر انداختم. اکنون که هم فعالان و دعوت شدگان و هم دیگران پیرامون این کنفرانس، اظهار نظر کرده اند، من نیز نوشته خود را منتشر می کنم.

این روزها با عمیق شدن شکاف در درون حکومت و تنگ تر شدن تحریم اقتصادی، به ویژه تحریم بانک مرکزی و نفت توسط آمریکا و اروپا، زمینه برای عقب راندن و حتی برچیده شدن بساط حکومت بیش از هر زمان دیگری مهیا شده است. متاثر از این شرایط، نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی، به تکاپو افتاده و در تلاش اند اتحادهای را شکل دهند. همزمان قدرت های خارجی نیز می کوشند به سهم خود آلترناتیوهای را همساز با سیاست خود ایجاد و تقویت نمایند و یا سمت و سو دهند. اگر از تجربه انقلاب بهمن بگذریم، که نشان داد در تحولات بزرگ، قدرت و نیرو است که نقش تعیین کننده دارد و دیدیم که حرکت عمومی مردم چگونه شاه را در اوج قدرتش به زیر کشید، تجربه جنبش مردم در دو سال پیش نیز، بر همان آموزه ها مهر تائید زده است. این تجربه ها بیانگر این است که حکومتی که تکیه بر پول میلیاردی نفت و سلاح های سپاه است، به آسانی به زیر کشیده نمی شود. این که جنبش گسترده مردم در دو سال گذشته نتوانست دستگاه ولایت را به زیر کشد، تلنگری زد بر ذهن اپوزیسیون تا اهمیت همراهی و همگامی گسترده با دیگر جریانات را ملموس تر درک نموده و با شتاب بیشتری به سوی بازنگری در درک رایج خویش کشیده شود. هر چند که این همراهی ها اگر از منطق اصولی و درستی پیروی نکند، به ضد خود بدل خواهد شد. این مطلب به همین موضوع، پرداخته است.

گروه بندی های اپوزیسیون؟ نیروهای اپوزیسیون عمدتاً در چهار گروه مهم قابل تفکیک اند: نخست نیروهای جمهوری خواه دوم جریانات اصلاح

طلب مدافع جمهوری اسلامی (یا اصلاح طلبان غیر سکولار) سوم جریان‌ات مشروطه سلطنتی و چهارم جریان‌اتی که در چارچوب مجاهدین خلق ایران و "شورای مقاومت ملی" فعالیت دارند. این گروه‌ها اگر بخواهند رابطه‌ای با هم برقرار کنند، نیازمندند به دموکراسی در تنظیم مناسبات خود پایبند بمانند. اگر مناسبات بر مبنای دموکراتیکی بنا نشود، تردید نباید داشت که دیر یا زود، تعهدات نقض و مناسبات تخریب خواهد شد.

از این چهار گروه، سازمان مجاهدین، تا کنون کم‌تر تمایلی به ایجاد رابطه و کار مشترک با دیگران به ویژه با گروه نخست از خود نشان داده است. سازمان مجاهدین خود را محور نیرومندی می‌داند که دیگران را فقط در صورتی می‌پذیرد که نسبت به سیاست‌ها و روش‌های آن‌ها، اعلام وفاداری کرده و هژمونی آنان را در بست بپذیرند. به دلیل چنین خصوصیتی و با برنامه و عملکردی که آن‌ها طی این سال‌ها داشته‌اند، کم‌تر نیروی دموکراتی به فکر ائتلاف و همکاری و همراهی با مجاهدین افتاده است. این جریان به خاطر روابطی که با قدرت‌های بزرگ برقرار نموده است، در آینده می‌تواند بنا به خواست این قدرت‌ها و از طریق اعمال فشار آن‌ها، به ائتلاف با برخی از جریان‌ات اپوزیسیون کشیده شده و در یکی از مجموعه‌ها گنجانده شود. اما از آن‌جا که در حال حاضر آمادگی برای ائتلاف از هر دو سو وجود ندارد، در این نوشته برخورد با آنان را لازم ندیده‌ام.

هدف این نوشته، تمرکز بحث روی مناسبات بلوک جمهوری خواهان با دو جریان مشروطه سلطنتی و اصلاح طلبان دینی است. در ارتباط با این دو نیرو، در میان جریان‌ات جمهوری خواه تا کنون سه گرایش شکل گرفته است. گرایشی از جمهوری خواهان برای شکل‌گیری آلترناتیوی در برابر جمهوری اسلامی، بر اتحاد نیروهای جمهوری خواه تاکید می‌کند. این گرایش معتقد است جمهوری خواهانی که منشأ قدرت را اراده مردم می‌دانند و مشروعیت آن‌را نه در آسمان‌ها و نه از طریق ارث، بلکه از تحقق یافتن رای آزاد و برابر مردم کسب می‌کنند، ضروری است بکوشند به عنوان یک بلوک سیاسی متحد شوند. این گرایش به آزادی‌های سیاسی، مدنی و فردی مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر باور دارد و جدایی کامل دین و هر نوع ایدئولوژی از دولت و برابری حقوق زنان و مردان و رعایت حقوق دموکراتیک ملیت‌ها و اقوام را از اصول خدشه‌ناپذیر این آلترناتیو می‌داند. گرایش دیگری در میان جمهوری خواهان وجود دارد که برنامه آلترناتیو مورد نظرش را به گونه‌ای تنظیم می‌کند تا بخش اصلی جریان‌ات معتقد به جمهوری اسلامی، که

امروز از قدرت کنار نهاده شده اند اما هنوز عمدتاً مشی اصلاح طلبانه را در ارتباط با حکومت دنبال می‌کنند، بتوانند در آن جای گیرند. یعنی این گروه از جمهوری خواهان برای شکل دادن به یک ائتلاف بزرگ به اصولی از دموکراسی تاکید می‌کنند که امکان ائتلاف برای استقرار دموکراسی با جریانات دین باور غیر سکولار، که مشی اصلاح طلبانه دارند، منتفی نشود. سومین گروه از جمهوری خواهان به لحاظ متد با گروه دوم اشتراک نظر دارند، فقط نیروی متحدشان برای استقرار دموکراسی در ایران، از جنس دیگری است. این گروه از جمهوری خواهان اصول دموکراتیک خود را پیرامون آلترناتیو حکومت، با حذف شکل جمهوری از پلتفرم خود دنبال می‌کنند، با این هدف که راه ائتلاف با مشروطه خواهان سلطنتی که بر اصولی از دموکراسی تاکید دارند، بسته نشود. این دو گرایش، هر دو، جمهوری خواه اند. هر دو، خواهان استقرار دموکراسی هستند، اما روی ترکیب متحدینشان، در اتحادی که می‌خواهند برای استقرار دموکراسی شکل دهند، اختلاف دارند. البته در زمینه مشی برخورد با حکومت این دو نیرو، تفاوتشان جدی است. اصلاح طلبان دینی در پی اصلاح و مشروطه خواهان پادشاهی به دنبال برجیده شدن بساط حکومت بوده اند.

مشکل چیست؟ مشکل اصلی به متد برخورد این گرایشات در رابطه با سیاست ائتلافی با دیگر نیروها باز می‌گردد. بر مبنای این متد، مختصات دموکراسی، بسته به تمایل، برای حضور یک نیرو و یا حذف دیگری، دستخوش نوسان شده، تنگ تر یا بازتر، می‌شود. زمینه پذیرش و جا افتادن این متد توسط بخشی از اپوزیسیون نیز، ریشه در استمرار حکومت جمهوری اسلامی دارد. استمرار این حکومت و نقض خشن آزادی های سیاسی و گسترش فقر، فساد، دزدی و بی عدالتی، ماجراجویی های اتمی و ایجاد مناسبات تخریبی با جهان خارج، که نتیجه آن به تحریم های اقتصادی و گرانی سرسام آور مایحتاج مردم انجامیده و در ادامه خود خطر دخالت نظامی را در پی دارد، از سوئی، تمایل به پائین کشاندن این رژیم از آریکه قدرت را در میان اپوزیسیون - حتی بخش هایی از اصلاح طلبان - افزایش داده، و از سوی دیگر، در نتیجه پراکندگی و ضعف نیروهای چپ و مترقی، امید به رهائی از دست این حکومت دشوار شده است. این وضعیت روانشناسی خاص خود را به وجود آورده و اتکا به خود را از بخشی از نیروهای این جنبش، باز ستانده است. مرزبندی های غیرواقعی و سخت گیرانه و نداشتن انعطاف و حقیقت پنداری، طی سال های گذشته نیز به عنوان عامل دیگری باعث شده است که نیروهای جمهوری خواه پراکنده تر شده و به اندازه توانشان نتوانند برآمد کنند. این دو عامل بخشی از جمهوری خواهان را به کم

توجهی نسبت به برخی پرنسپ ها، در ارتباط با همکاری و اتحاد، کشانده است. این حقیقتی است که ما در سال های گذشته کم تر از ظرفیت نیروهای اپوزیسیون در مقابله با استبداد به شکل هماهنگ، استفاده کرده ایم. اهمیت دارد اپوزیسیون در هر کجا که اهداف و مواضع مشترکی دارد، اقدامات خود را هماهنگ کند و همصدائی و همراهی با یکدیگر را در دستور قرار دهد. این که کل اپوزیسیون آن جا که حرف مشترکی داشته است، پراکنده سخن گفته و متحدانه عمل نکرده است، یکی از ویژگی ها و اشکالات اساسی ما بوده است. راه مقابله با این ضعف، کم بها دادن به برخی اصول دموکراتیک برای اتحاد نیست. نادیده گرفتن برخی از آن ها می تواند تخم جدائی و نهال واگرائی را در دل ها بنشانند و دیر یا زود منشا تجزیه های جدیدی شود. می توان برای اتحاد، هم بر اصول و پرنسپ های دموکراتیک، تاکید نمود و هم، همراهی و هم صدائی علیه استبداد و در جهت استقرار دموکراسی را با درس آموزی از سیاست های سکتاریستی گذشته از نو بنا نهاد. هم مشروطه خواهان سلطنتی و هم اصلاح طلبان دینی می توانند برنامه خود را برای حکومت آینده داشته باشند و هم جمهوری خواهان بر جمهوریت نظام آتی و اصول دموکراسی مورد تاکید خود پای بفشینند. اهمیت دارد این سه نیرو هر کدام، برنامه های خود را شفاف کرده و صفوف خود را متحد و فشرده کنند. ما هم در رابطه با برنامه قدرت جایگزین و هم ساختار آن با این دو جریان تفاوت داریم. از این رو نقطه اتصال این سه جریان در سیاست های ائتلافی، مختصات آلترناتیو جایگزین نیست. تا زمانی که قدرت از طریق ارث منتقل شود و یا دین و دولت در هم آمیزند- حتی اگر این اصول رای مردم را داشته باشند- امکان توافق روی یک برنامه و یک ساختار برای قدرت جایگزین ممکن نیست. در این زمینه ما، بر شفاف کردن برنامه و فشرده شدن صفوف این سه گروه به شکل جداگانه، پافشاری می کنیم. درهم آمیختن برنامه آن ها و مخدوش نمودن اصول مورد پذیرششان مفید نیست.

اشترکات کجاست؟ جمهوری خواهان و عمده نیروی دو جریان دیگر در زمینه حقوق بشر اشتراکاتی دارند. پیرامون این موضوع در هر کجا که امکان همکاری و همراهی علیه استبداد ولایت فقیهی و در جهت برخی اصول دموکراسی را دارند، دلیلی وجود ندارد که کارشان را هماهنگ نکنند. تا کنون اغلب جریانات سیاسی چپ و جمهوری خواه با این دو جریان، کمتر کار مشترکی انجام داده اند. اهمیت دارد نیروهای جمهوری خواه روی رفتار گذشته خود مکث نموده و اندیشه و عمل خود را روزآمد نمایند. مشکل و تناقض مشروطه خواهانی (۱) که بر حقوق بشر

و آزادی‌ها تاکید دارند این است که از وارث حکومتی دفاع می‌کنند، که آن حکومت، سرکوبگر آزادی‌های سیاسی بوده است. این جریان‌ها برای رفع ابهام و برداشتن موانع همکاری، ضروری است با صراحت با حکومت محمد رضا شاه در زمینه نگاه به آزادی‌های سیاسی مرزبندی کنند. هر چند قوتشان در سکولار بودن آن‌هاست. دین‌باوران غیر سکولار اما مشکل‌شان چیز دیگری است. این جریان با پذیرش حکومت دینی و چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی، تاکیدشان را بر آزادی‌های سیاسی، متناقض می‌کنند. برای بر طرف کردن موانع همکاری با دیگران، دست برداشتن از تلفیق دین و دولت اهمیت زیادی دارد.

در زمینه دیگری نیز، این سه بلوک همراهی‌هایی داشته و یا زمینه توافق با یکدیگر را دارند. اگر به جنبش مردم در دو سال گذشته نگاه کنیم بخش قابل توجهی از هر سه این نیروها، در آن مشارکت داشته و از آن پشتیبانی نمودند. یعنی در جنبشی که علیه استبداد و در جهت دموکراسی سر برآورد، این سه گروه در داخل کشور، مشارکت داشته‌اند. امروز نیز می‌توان با درس‌گیری از همین جنبش، علیه استبداد و برای انتخابات آزاد حرکت نمود. این سه گروه بندی بر اساس اسناد رسمی منتشر شده‌شان عمدتاً، زمینه توافق روی انتخابات آزاد را با درک و دریافت شناخته شده جهانی، یعنی آزادی احزاب، مطبوعات، تشکل‌های مدنی و آزادی زندانیان سیاسی را می‌توانند داشته باشند. هیچکدام از این نیروها برای انتخابات آزاد مجبور به نادیده گرفتن اصول و پرنسپی از برنامه خود نیست. اگر جریان‌های سیاسی درست حرکت کنند، می‌توانند پیرامون انتخابات آزاد جنبشی را دامن بزنند. موثرترین شکل برای به سرانجام رساندن این جنبش، هماهنگ شدن و سازمان‌دهی جریان‌هایی است که بر انتخابات آزاد تاکید می‌کنند. اما اگر به هر دلیل جریان‌های سیاسی نتوانند یک نهاد ملی برای انتخابات آزاد ایجاد نمایند، باز در کل جنبش، همصدائی و همراهی ایجاد می‌شود و این شانس موفقیت برای تحقق این شعار را بالا می‌برد. بنابراین در حرکات جنبشی علیه استبداد و در جهت دموکراسی دلیل قانع‌کننده‌ای برای بسیاری از این جریان‌ها وجود ندارد که همصدا و همراه نشوند.

افزون بر این، انتخابات آزاد هم در میان مردم به خصوص نیروهای تحصیلکرده و مدرن جذابیت دارد و هم وسیله‌ایست که نمی‌تواند مورد مخالفت هیچ نیروی مدعی دموکراسی قرار گیرد. پیرامون این موضوع در گذشته از زاویه اجرائی شدنش در جمهوری اسلامی و توسط این حکومت و قانون اساسی آن، تفاوت وجود داشت. این مساله نیز با توجه به

شرایطی که حکومت در آن گرفتار شده است، به نظر می‌رسد در وجه عمده از مرکز اختلافات کنار رفته و یا کنار خواهد رفت. حتی خوش بین‌ترین افراد نیز امروز می‌پذیرند که انتخابات آزاد در شرایطی تحقق پیدا می‌کند که قانون اساسی جمهوری اسلامی به کاغذ پاره‌ای تبدیل شود.

اجلاس اولاف پالمه: بنیاد اولاف پالمه، موسسه دموکراتیکی است که برای دموکراسی، حقوق بشر و صلح فعالیت می‌کند. این بنیاد با حزب سوسیال دموکرات سوئد و با مردم و سازمان‌های مردمی کشورهای مختلف جهان نظیر برزیل، برمه، افریقای جنوبی، مالداوی، فلسطین و کشورهای بالکان همکاری می‌کند. پروژه‌های اصلی این بنیاد بر فعالیت‌های زنان، جوانان و فعالیت‌های مردمی متمرکز شده است. یکی از کارهای قابل ذکر این بنیاد غیر دولتی، کمک به اپوزیسیون در دوره مبارزه کنگره ملی افریقا بوده است. اخیراً این بنیاد به تقاضای تعدادی که نامشان رسماً اعلام نشده، اما در سایت‌ها و به شکل غیر رسمی بر زبان‌ها جاری است، مهماندار بخشی از اپوزیسیون ایران شده است. گفته می‌شود که حدود ۵۰ نفر از فعالان سیاسی ایرانی با تاکید بر مشارکت گسترده زنان و اپوزیسیون دموکراتیک، به این جلسه دعوت شده‌اند. آن‌چه که به عنوان موضوع این سمینار اعلام شده است، با ترکیب شرکت‌کنندگان و سابقه فعالیت بسیاری از افراد شرکت‌کننده در این اجلاس، خوانائی ندارد. گفته شده است سمیناری است برای گفتگو پیرامون پروژه انتخابات آزاد و بررسی راه‌های اتحاد بین نیروهای اپوزیسیون. اگر این سخن را مبنا قرار دهیم، پرسش این است چرا افراد دعوت شده عموماً طیف نظرات مختلف را نمایندگی نمی‌کنند؟ اساساً برخی افراد دعوت شده، نه فعال سیاسی هستند و نه نظریه پرداز. اگر دعوت به اتحاد شده است، چرا احزاب و سازمان‌های سیاسی به سمینار دعوت نشده‌اند؟ اگر برای گفتگوست، چرا اولاً به شکل غیر علنی و در پشت‌اتاق‌های بسته که حتی خبرنگاران هم نمی‌توانند وارد سمینار شوند. ثانیاً این‌چه گفتگو و سمیناری است که از بسیاری مدافعان صاحب‌نظر موافق و مخالف این نظر دعوتی به عمل نیامده است؟ نام گفتگو در محیطی بسته بین فقط افراد شرکت‌کننده در جلسه را چه می‌توان نهاد؟ این سمینار شنونده‌ای در بیرون از این جلسه، ندارد و تریبونی برای انعکاس نظرات مختلف ایجاد نمی‌کند. این‌گونه برخورد با افراد دعوت شده، بیشتر فراخواندن تعدادی از افراد جمهوری خواه، برای شکل دادن به اتحاد دو نیروی جمهوری خواه و مشروطه سلطنتی را به ذهن می‌نشانند. من به دلیل برخی ابهامات از جمله ابهام در هدف جلسه و ترکیب شرکت

کنندگان و شفاف و علنی نبودن سمینار، نتوانستم خودم را برای شرکت در این جلسه مجاب کنم. شرکت در این جلسات در صورتی در خدمت استحکام روابط قرار می‌گیرد که شرکت کنندگان به روشنی بدانند که جلسه به چه ضرورتی می‌خواهد پاسخ دهد و ترکیب آن با هدف جلسه خوانائی داشته باشد.

سخنی با جریان‌های جمهوری خواه: بارها گفته ام و مایلم که تکرار کنم که اکنون، شرایط جامعه با دوره های گذشته متفاوت شده است. حرکات و جنبش های اجتماعی در حال سربراوردن هستند. وضعیت کارگران، زنان، دانشجویان، خانواده زندانیان، اقوام و ملیت ها و ... نسبت به قبل تغییر کرده است. تلاش، حرکت و مبارزه در جامعه، افزایش یافته است. روانشناسی مردم برای نفی حکومت دینی، تغییرات مثبتی کرده است. در بالا جناح های حکومتی که همواره با خشونت و توطئه با رقبای خود برخورد می کرده اند، اختلافاتشان تشدید شده و خود افشاگری را به سطح جامعه کشانده اند. امروز دزدی های هزاران میلیاردی را حکومتی ها، خود افشا می کنند. امکان درگیری خشونت آمیز و افشاگرانه این جناح ها در همین انتخابات نیز منتفی نیست. دلبستگی به این نظام از کادرهای سپاهی و لشگری گرفته تا اداری امید به حکومت را از دست داده، زبان به انتقاد افشاگرانه علنی، گشوده اند. امروز، هم سرکوب وجود دارد و هم ایستادگی در برابر استبداد چشم گیر است. در زندان ها و زیر تیغ حکومت، زندانیان سیاسی، راس حکومت، یعنی خامنه ای و دستگاه ولایت را به زیر انتقاد گرفته و کلمات آتشین و شجاعانه ای علیه آنان به زبان می آورند. این شرایط باعث شده است که تمایل فعالان سیاسی و مدنی در داخل کشور برای هماهنگی با جریان های سیاسی و نهادهای مدنی در خارج کشور، افزایش یابد. رشد تکنولوژی و گسترش امکانات فنی، به عنوان عامل مثبتی، در خدمت مستحکم کردن این پیوند، در آمده است. به این ها همه می توان شرایط مساعد جهانی را افزود، که به سود اپوزیسیون و تضعیف رژیم عمل می کند. این اوضاع برای ما که در تبعید به سر می بریم بهترین شرایط را پدید آورده است تا برای شکل گیری اتحاد گسترده ای در مقیاس مردم سراسر کشور، با هدف برجیدن بساط استبداد، فعالانه تلاش کنیم. سیاست های دستگاه ولایت و شخص خامنه ای هیچ راهی برای سازش با مردم و توافق با قدرت های جهانی باقی نگذاشته و تردید نباید داشت که این حکومت مانند همه دیکتاتورها، وادار به عقب نشینی خواهد شد، اما دیر هنگام. در این شرایط جریان های جمهوری خواه بسیار کند حرکت کرده و برای اتحاد مشغول بهانه گیری از یکدیگرند. اصل راهنمای وحدت و اتحادها تکیه بر

اشتراکات است. جریان‌ات جمهوری خواه اشتراکاتشان کم نیست. اما آن چه که آن‌ها برجسته کرده و تا کنون نیز برجسته می‌کنند، تفاوت‌هاست. تاکید بیش از حد و غیر هدفمند بر تفاوت‌ها به درد سازمان دادن انشعاب می‌خورد، نه اتحاد و ائتلاف. نیروی جمهوری خواه در ایران وسیع است. جمهوری اسلامی نیز با سیاست‌های خود زمینه تقویت این نیرو را در جامعه فراهم نموده است. این نیرو در هیچ معادله سیاسی قابل حذف نیست. آلترناتیو آینده ایران، بدون حضور این نیرو بسیار بعید است تشکیل شود. اهمیت دارد جمهوری خواهان صدایشان را هماهنگ و خواسته‌هایشان را شفاف و ملموس کرده به صورت یک جریان سیاسی برآمد کنند و با برنامه روشن و مختصری در دفاع از یک حکومت دموکراتیک صفوف خود را متحد کنند. پیرامون عناصر و چارچوب یک پلتفرم برای دموکراسی تفاوت مهمی بین نیروهای جمهوری خواه وجود ندارد. مهم‌ترین مشکل و تفاوت ما، سیاست در قبال جمهوری اسلامی بوده است. این مساله نیز دارد دستخوش تغییر می‌شود. هر روز که می‌گذرد شمار اصلاح طلبانی که به نفی کل حکومت می‌رسند رو به فزونی است. اهمیت دارد جریان‌ات سیاسی با روحیه توافق و با تکیه بر اشتراکات بلوک جمهوری خواهان را ایجاد کنند. انسجام این نیرو هسته مرکزی جنبش دموکراسی خواهی در جامعه است. با ایجاد یک جریان قوی و متشکل جمهوری خواهی امکان همصدائی و همراهی با سایر جریان‌ات علیه استبداد و برای دموکراسی فراهم شده، می‌تواند در خدمت جنبش مردم علیه استبداد برآمد کند. به جای تجزیه این گروه بندی‌ها و یارگیری از همدیگر به سود جنبش است که نمایندگان آن‌ها با تاکید بر نقاط اشتراک واقعی‌شان، بکوشند همصدا و همراه شوند.

---

زیرنویس:

۱ - منظورم از مشروطه خواهان در این نوشته جریان‌اتی است که در چارچوب افکار و عقاید زنده یاد داریوش همایون قرار دارند.